

گفت‌وگوبادکترسعیدمدنی، جامعه‌شناس

چرا دنیا از پس کرونا برنیامد؟

حلقه گمشده حل بحران کرونا در جهان

مهسار مضانی
خبرنگار

شیوع ویروس کرونا، تمام جهان را در حوزه‌های مختلف اعم از اقتصاد، سیاست و اجتماع و... درگیر کرده است و کشورها سعی دارند راهکارهایی را برای مواجهه با آن بیابند؛ اما با وجود اینکه برخی کشورها، همچون کشور ما، توفیقاتی نسبی در کنترل روند پیشروی این ویروس داشته‌اند، اما به نظر می‌رسد هنوز جهان نتوانسته در برخورد با این ویروس به نسخه قطعی برسد. به‌نظر می‌رسد کرونا فارغ از ابعاد زیستی و پزشکی، ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز یافته است و باید بررسی کرد که حلقه مفقوده حل این بحران در سطح جهانی در کدام یک از این حوزه‌ها بیشتر مستتر است. به این اعتبار، برآن شدیم تا در گفت‌وگویی با دکتر سعید مدنی، جامعه‌شناس و پژوهشگر مسائل اجتماعی، حلقه مفقوده حل بحران کرونا در جهان را به بحث بگذاریم.

■ جناب دکتر مدنی، این روزها شیوع ویروس کرونا به یک مساله جهانی و پرهزینه برای دولت‌ها و البته ملت‌ها بدل شده است. فکر می‌کنید دلیل اینکه جهان در برابر این بحران نتوانست عکس‌العمل مؤثرتر و راه‌حل‌های کم‌هزینه‌تری را داشته باشد، چیست؟

قبل از هر چیز باید ماهیت این بحران را مورد بررسی قرار داد. رویکرد غالبی که عموماً وجود دارد، این است که کرونا یک پدیده زیستی و پزشکی است؛ بنابراین، صرفاً به حرفه پزشکی ارتباط پیدا می‌کند. اما واقعیت این است که اپیدمی‌ها اصولاً و به‌طور مشخص، کرونا، ابعاد و زوایای اجتماعی-اقتصادی و همین‌طور فیزیولوژیک دارند.

در برخی از اظهارنظرها آمده است که کرونا محل تقاطع «طبیعت» و «جامعه» است و یک مسأله طبیعی همچون شیوع یک ویروس با ابعاد مختلف جامعه پیوند خورده است. با این حال، اغلب نگاه و رویکرد چندجانبه به پدیده کرونا، چه در تحلیل وضعیت آن و چه در ارائه راه‌حل‌ها مغفل مانده و کمتر محل توجه قرار می‌گیرد؛ برای مثال، اغلب در اپیدمی‌ها شرکت‌های دارویی متعلق به بخش خصوصی در تمام سطح دنیا بیش از آنکه به سرمایه‌گذاری در تهیه واکسن یا روش‌های پیشگیری تمایل داشته باشند، بیشتر به سرمایه‌گذاری در تهیه دارو برای درمان تمایل نشان می‌دهند؛ چراکه هرگونه تسریع در تولید واکسن یا اقدامات پیشگیرانه باعث می‌شود که بازار فروش داروها برای درمان کم رونق شود. آنها هم به اپیدمی ویروس کرونا، به‌عنوان یک پدیده اقتصادی و یک بازار جدید می‌نگرند.

به این اعتبار، اگر این شیوع ویروس را یک بحران بدانیم در مدیریت این بحران، بیش از هر امری چند جانبه دیدن آن باید مورد توجه قرار گیرد. اکنون مدیریت بحران کرونا «درمان‌محور» است. ساختار این مدیریت در همه جهان در وزارت بهداشت و به‌طور سلسله مراتبی است در حالی که مواجهه با یک پدیده چند بعدی و فراگیر همچون شیوع ویروس کرونا نیازمند ساختاری انعطاف‌پذیرتر با شبکه اجتماعی گسترده و با سلسله مراتب کمتر است.

واقعیت این است که شیوع ویروس کرونا و روش‌های مقابله با آن باید متناسب با وضعیت اقتصادی -اجتماعی و کیفیت روابط اجتماعی باشد. به همین دلیل، مدیریت بحران در شهری مثل تهران با شهری همچون بندرعباس یا حتی شهرهای شمالی باید متفاوت باشد. همچنین نباید انتظار داشت آمریکا یا ایتالیا، همانند کشور چین این بحران را مدیریت کنند. در واقع برای مقابله مناسب با این ویروس و تحلیل و درک مکانیسم‌های شیوع آن، چاره‌ای نیست جز اینکه تا حد زیادی «محلی» اندیشیده شود.

وقتی کل جامعه جهانی به نوعی با یک پدیده اجتماعی درگیر می‌شود معمولاً گفته می‌شود سازمان مقابله با این همه‌گیری باید به جای ساختار «عنکبوتی»، «ستاره دریایی» باشد. ساختار عنکبوتی، اشاره دارد به یک ساختار متمرکز که وقتی سر آن زده می‌شود دست و پاها به رغم بلندی، کارکردی ندارند. اما ساختار ستاره دریایی به سازمانی اشاره

دارد که در آن، هر بخش می‌تواند به‌صورت مستقل عمل کند چرا که ساختار متمرکز نیست. ■ با توجه به این بحث، شما حلقه مفقوده حل بحران کرونا در جهان را چه می‌دانید؟

بر این اساس، حلقه مفقوده مبارزه با بحران کرونا، عدم رویکرد چندجانبه‌گرایانه به بحران کرونا، ساختار متمرکز و سلسله مراتبی مدیریت بحران و ندیدن تفاوت‌های محلی -منطقه‌ای است که متأسفانه منجر به ناکارآمد شدن مدیریت این بحران در سطح جهان می‌شود؛ چرا که مدیریت بحران در کشورها قادر نیستند سطوح مختلف اجتماعی از کل کشور تا استان، شهر و بعد محله را پوشش دهد. به این اعتبار، آنچه که در شرایط امروز، حلقه مفقوده مدیریت بحران کرونا در جهان است، عدم توجه به یک ساختار مشارکت‌طلبانه اجتماع‌محور است که از رهگذر قدرتمندتر کردن و توانمندتر کردن

چراکه همه به شکل انکارناپذیری متوجه شدند که ساز و کارهای سیاسی موجود آسیب‌پذیرند؛ به‌عنوان مثال، نظام‌های اقتصاد بازار که همواره به واگذاری همه امور بویژه بهداشت، آموزش و خدمات عمومی به بخش خصوصی تأکید می‌کردند، حال دیگر روشن شده است که چقدر می‌تواند جوامع را آسیب‌پذیر کند و منابع دولت‌ها را برای مواجهه با یک بیماری همه‌گیر مورد تهدید قرار دهد. یا برخی از تصورات مبنی بر تقدم منافع فرد بر منافع کل جامعه که اندیشه لیبرال بر این پایه قرار دارد امروزه بشدت مورد سؤال قرار گرفته است؛ چراکه در این شرایط منافع فردی می‌تواند منافع کل جامعه را مورد تهدید قرار دهد.

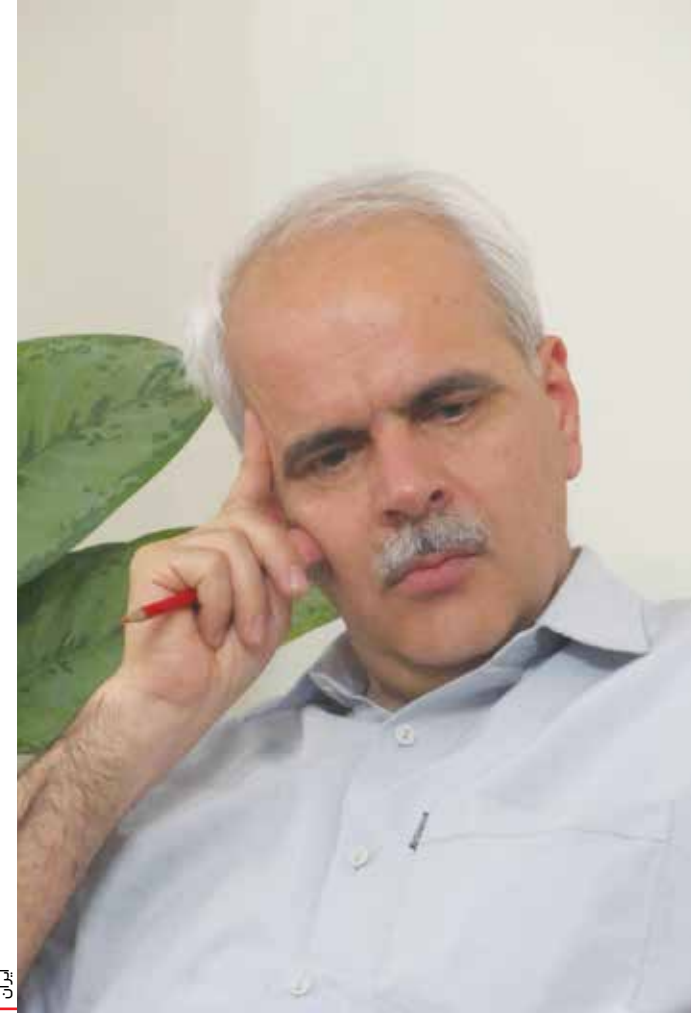
برای خیلی از نظام‌های سیاسی روشن شده است که با وجود آنکه در داخل مرزهای ملی اختیارات مشخصی دارند اما هر اقدامی در درون مرزها، بدون توجه به منافع جهانی مقابل به بحران کرونا باید متناسب با وضعیت اقتصادی -اجتماعی و کیفیت روابط اجتماعی هر جامعه باشد. از این رو، نباید انتظار داشت آمریکا یا ایتالیا همانند کشور چین این بحران را مدیریت کنند. در واقع، برای مقابله مناسب با این ویروس چاره‌ای نیست جز اینکه تا حد زیادی «محلی» اندیشیده شود. بنابراین، حلقه مفقوده مبارزه با بحران کرونا، عدم رویکرد چندجانبه‌گرایانه به بحران کرونا و ندیدن تفاوت‌های محلی -منطقه‌ای و عدم توجه به یک ساختار مشارکت‌طلبانه اجتماع‌محور است که متأسفانه منجر به ناکارآمد شدن مدیریت این بحران در سطح جهان شده است.

جوامع محلی کمک می‌کند تا آنها هم در کنترل بیماری مشارکت کنند.

■ آیا شیوع ویروس کرونا را می‌توان به‌عنوان یک نقطه عطف دید و از جهانی پساکرونا صحبت کرد؟ اگر با این اظهار نظر همدل هستید، به اعتقاد شما، جهان پساکرونا واجد چه ویژگی‌هایی است؟

اپیدمی‌ها و پاندمی‌ها اصولاً همیشه تبعات گسترده‌ای داشته‌اند. به‌طور قطع، کرونا نیز از این قاعده مستثنی نیست. این ویروس نشان داد جامعه انسانی با سیستم‌های مختلف؛ اعم از سیستم‌های دموکراتیک، توسعه‌یافته، کمتر توسعه‌یافته یا متمرکز و اقتدارگرا همگی آسیب‌پذیرند و نقاط ضعفی دارند که می‌تواند آنها را در معرض تهدید قرار دهد.

از این رو، کرونا همه جوامع را به اندیشیدن درباره جامعه الکتروناتیو هدایت می‌کند



گرفت. ■ سال‌ها به ما گفته شده است که دولت باید کوچک و نقش آن هم کمتر شود؛ اما اگر می‌خواست بر این مبنا عمل شود، چه در دولت‌های اقتدارگرا و چه در دولت‌های لیبرال متکی به بازار مثل آمریکا چگونه این بحران کنترل می‌شد؟

ورود جدی دولت‌ها برای کنترل این وضعیت اساساً با اندیشه بازار تناقض دارد. بنابراین، کرونا نشان داد که دولت در حفظ و بهبود زندگی جامعه چه نقشی دارد و اساساً اندیشه‌های نولیبرال مبنی بر خصوصی‌سازی آموزش و بهداشت بشدت زیر سؤال رفت. بیهوده نیست که «دیوید هاروی» اندیشمند آمریکایی، می‌گوید در آینده، آمریکا به نوعی «سوسیالیسم ملی» روی خواهد آورد.

همه این تبعات، در درازمدت، کوتاه مدت و میان مدت نگاه ما را به جهان پیرامون، بعد از کرونا، تغییر می‌دهد.

شاید اگر یک سال پیش، کسی جامعه ایران را با اتکای به نظر «اولریش بک» به‌عنوان یک جامعه در خطر تبیین می‌کرد، قدری دور از ذهن به نظر می‌رسید اما امروز تقریباً همه در خصوص ورود به یک جامعه پریسک متفق‌القول هستیم. به زعم اولریش بک «جامعه در خطر» جامعه‌ای است که در آن به جای خوبی‌ها، بدی‌ها توزیع می‌شود؛ از جمله همین الگوهای مصرف نادرست.

اما امروز کرونا جوامع مختلف را در دو حوزه «عمل» و «اندیشه» در معرض تجدیدنظرهای جدی قرار داده است. اساساً نگاه به هستی پیرامون دگرگون می‌شود، تعارض دنیای مدرن و سنتی که جامعه ما هم به نوعی درگیر آن است، بعد از کرونا بسیار سریع‌تر می‌تواند به یک نگاه غالب برسد. تجربه کرونا نشان داد که چقدر جهان سنتی در برابر پدیده‌هایی که امروز در برابر جامعه انسانی وجود دارد، ناکارآمد و ناتوان است.

■ بسیاری بر این باورند که انسان پساکرونا یک «انسان خودبسنده و مراقب‌تر» است؛ بویژه در خصوص ارتباطش با طبیعت. به اعتقاد شما، این رویه و نگرش در انسان پساکرونا می‌تواند بر روند توسعه نیز اثرگذار باشد؟

این اظهارنظر، تا حد زیادی درست است؛ چرا که به هر حال «انسان پساکرونا» انسان محتاط‌تری است و در تعاملش با جامعه و طبیعت محافظه‌کارتر عمل می‌کند. طبیعتاً، این محافظه‌کاری به انسان‌ها برای حفظ سلامت خود و طبیعت کمک می‌کند. اصلاح رفتار انسان‌ها، پایدار در توسعه را ایجاد می‌کند. سال‌ها تلاش شده تا از رهگذر حوزه نظر، شیوه رفتاری متناسب با توسعه پایدار به انسان‌ها آموزش داده شود اما اتفاقی که در این یکی دو ماه گذشته رخ داد، باعث شده است تا انسان‌ها در کل کره زمین، در شرایطی قرار بگیرند که با طبیعت محافظه‌کارانه‌تر و مراقب‌تر برخورد کنند. بنابراین، انتظار می‌رود که بحران کرونا، تأثیر مثبتی بر رفتار انسان‌ها با حوزه‌های مختلف و بویژه طبیعت داشته و طبعاً بر روند توسعه نیز تأثیر بگذارد.

■ آیا می‌توان از بحران کرونا به‌عنوان یک امر رهایی‌بخش برای انسان امروز نیز صحبت کرد؟

باید با احتیاط بیشتری چنین جمع‌بندی را داشت؛ چراکه کرونا به هر حال یک پدیده شر و یک بلیه است؛ اما همیشه یک تهدید می‌تواند به فرصت بدل شود و زندگی را به شکل مطلوب‌تری دگرگون کند. نگاه به کرونا به مثابه یک پدیده زودگذر، خطای بزرگی است. اگر این نگاه را کنار بگذاریم آن زمان می‌توان از کرونا درس‌های زیادی آموخت و به مثابه یک فرصت و امری رهایی‌بخش برای انسان امروز به دنیای پس از آن اندیشید.



فلسوف آشنایی

که با او سگاز اتم

مطهری فلسفه را برای بهتر شدن حال مردم می‌خواست

سخن گفتن از استاد شهید مرتضی مطهری، هم سهل و هم ممتنع است. سهل است چون پیوسته نام ایشان شنیده و همایش‌هایی برای ایشان برگزار می‌شود؛ به‌همین دلیل، در مقایسه با سایر اندیشمندان، متفکران و فیلسوفان، نام آشناترند. اما گفتن از او ممتنع نیز هست؛ چرا که باوجود آنکه در سالگرد شهادتشان مراسم و سخنرانی‌های مختلف برگزار می‌شود اما شاهد توجه عملی به آثار و افکارشان نیستیم.

این در حالی است که شهید مطهری هم متفکر استقرار انقلاب اسلامی است. از این رو، طبیعتاً، باید در دوران استقرار نیز شاهد توجه بیشتری در دو سطح «نظر» و «عمل» نسبت به آثار ایشان باشیم. متأسفانه، نمی‌توان به نمود عینی و عملی آرای شهید مطهری در ساحات مختلف حیات انسانی و اجتماعی، اعم از فکری، معرفتی، اخلاقی و معنوی، سیاسی و اقتصادی نمره خوبی داد. به‌نظر می‌رسد که حال و هوای امروز جامعه چندان متناسب با آثار ایشان نیست؛ حتی در محافل علمی، فکری و دانشگاهی و حوزوی نیز آنچنان که باید توجهی به آثار ایشان نمی‌شود.

بایسته است تا افکار ایشان را به زمان و زمینه امروز نیز بسط دهیم و به دلالت‌های زمانی و مکانی موسع آن بیشتر توجه کنیم. متأسفانه شماری از آثانی که به شهید مطهری توجه می‌کنند، ایشان را در زمان و زمینه‌اش محصور می‌کنند و آنچنان که باید بسط اندیشه‌های شهید مطهری را در دستور کار خود قرار نمی‌دهند تا برای نسل جدید قابل استفاده باشد. البته مقصود، بهره‌مندی‌های شخصی و صوری نیست بلکه در مواجهه با ایشان باید بتوانیم بسیاری از چالش‌ها و مشکلات پیش‌روی را در عرصه‌های مختلف حل کنیم.

کماکان سؤال‌های متعددی داریم که شهید مطهری می‌تواند به آنها پاسخ دهد. فروموش نکنیم که استاد شهید مطهری یک «فیلسوف مسأله‌مند» است و اساساً از مسأله آغاز می‌کند. ایشان را به هیچ عنوان نمی‌توان یک متفکر انتزاعی و یک فیلسوف ذهنی صرف دانست؛ اتفاقاً نگاه ایشان به قرآن نیز یک نگاه ذهنی و متافیزیkal نیست و قرآن را نیز مسأله‌مند می‌بیند و معتقدند که قرآن آمده است تا نیاز انسان‌ها را پاسخ دهد. از این رو، شهید استاد مرتضی مطهری را باید متفکری دانست که پیوسته بین دو ساحت «انضمامی» و «انتزاعی» در حرکت است؛ یک رفت و آمد بین «عین» و «ذهن». به تعبیری، از وجه انضمامی و عینی شروع و سپس به اندیشه‌ورزی و ارائه راه‌حل، مستقیم و غیرمستقیم، می‌پردازد. تمام آثار ایشان از چنین شاخصه‌هایی برخوردار است.

موضوعاتی که محل توجه شهید مطهری بود مسائل روز جامعه بود؛ که هنوز هم مسأله روز ما است. آیا هویت، حجاب، ازدواج، اسلام و مقتضیات روز و نقش زمان و مکان، آزادی، عدالت، اخلاق و معنویت، تجزو خرافه و... مسائل امروز ما نیست؟ با مرور بر آثار شهید مطهری درمی‌یابیم که دغدغه اصلی‌اش از یک درد اجتماعی برمی‌خیزد. شهید مطهری، فلسفه اسلامی را در طاقچه گذاشت و فلسفه را برای بهتر شدن حال مردم می‌خواست. بنابراین، استاد مطهری را باید به‌عنوان یک پدیده سهل و ممتنع دید؛ سهل، چون بارها نام او به زبان آورده می‌شود و ممتنع، چون با وجود این همه یادآوری، در عمل به‌کار گرفته نمی‌شود. بویی از آثار ایشان در دو ساحت نظر و عمل در دو عرصه رسمی و مدنی جامعه به مشام نمی‌رسد. ما با او بسیار بیگانه‌ایم. بزرگترین مسأله ما شاید «نوع مواجهه» با آثار و آرای استاد مطهری است. باید پرسید آثاری که حضرت امام(ره) تمام آنها را بدون استثنا تأیید می‌کنند، چقدر در جامعه تبلور دارد؟

واقعیت این است که مسأله «زمان» و «مکان» در افکار شهید مطهری از جایگاه بسیار والایی برخوردار است؛ اما اینکه چطور می‌توانیم مطهری را به روز کنیم، تنها از رهگذر یک «نگاه مسأله‌محور» به آثار ایشان قابل تحقق است؛ چه مسائلی که خود شهید مطهری طرح کرده و چه مسائلی که امروز در جامعه ما مطرح و مبتلا به ماست. این امر(به روز کردن مطهری) مستلزم این است که نخست بدانیم مسائل جامعه امروز ما چیست و این مسائل را در برابر آثار استاد شهید مطهری قرار دهیم و آنگاه دریابیم به این مسائل چیست؟ واقعیت این است که ما پاسخ را برای پاسخ نمی‌خواهیم نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که ما پاسخ را برای «عمل» می‌خواهیم. یکی از مسائلی که ما سخت از آن رنج می‌بریم شکاف بین «نظر» و «عمل» است. واقعیت این است که در مواجهه استاد شهید مطهری با اسلام نیز صرفاً بر جنبه‌های نظری اکتفا نشده و ایشان در پی ارائه یک نسخه عملی از اسلام بوده است. استاد شهید مطهری به صیغه نظری عمل است. فقط حرف نزنیم! از خود پرسیم حکمتی که در پرس آرای شهید مطهری وجود دارد، کجای جامعه ما جاری و ساری است؟ واقعیت این است که باید یاد دیگر به آثار ایشان رجعت شود؛ «رجعتی مسأله‌مند و معطوف به عمل». در پایان سوگوارانه باید بگویم جفایی که به آثار ایشان بعد از انقلاب شد قبل از آن، باوجودهای و هوی زیاد، نشد.

۱ سخن گفتن از استاد شهید مرتضی مطهری، هم سهل و هم ممتنع است. سهل است چون پیوسته نام ایشان شنیده و همایش‌هایی برای ایشان برگزار می‌شود؛ به‌همین دلیل، در مقایسه با سایر اندیشمندان، متفکران و فیلسوفان، نام آشناترند. اما گفتن از او ممتنع نیز هست؛ چرا که باوجود آنکه در سالگرد شهادتشان مراسم و سخنرانی‌های مختلف برگزار می‌شود اما شاهد توجه عملی به آثار و افکارشان نیستیم.

این در حالی است که شهید مطهری هم متفکر استقرار انقلاب اسلامی است. از این رو، طبیعتاً، باید در دوران استقرار نیز شاهد توجه بیشتری در دو سطح «نظر» و «عمل» نسبت به آثار ایشان باشیم. متأسفانه، نمی‌توان به نمود عینی و عملی آرای شهید مطهری در ساحات مختلف حیات انسانی و اجتماعی، اعم از فکری، معرفتی، اخلاقی و معنوی، سیاسی و اقتصادی نمره خوبی داد. به‌نظر می‌رسد که حال و هوای امروز جامعه چندان متناسب با آثار ایشان نیست؛ حتی در محافل علمی، فکری و دانشگاهی و حوزوی نیز آنچنان که باید توجهی به آثار ایشان نمی‌شود.

بایسته است تا افکار ایشان را به زمان و زمینه امروز نیز بسط دهیم و به دلالت‌های زمانی و مکانی موسع آن بیشتر توجه کنیم. متأسفانه شماری از آثانی که به شهید مطهری توجه می‌کنند، ایشان را در زمان و زمینه‌اش محصور می‌کنند و آنچنان که باید بسط اندیشه‌های شهید مطهری را در دستور کار خود قرار نمی‌دهند تا برای نسل جدید قابل استفاده باشد. البته مقصود، بهره‌مندی‌های شخصی و صوری نیست بلکه در مواجهه با ایشان باید بتوانیم بسیاری از چالش‌ها و مشکلات پیش‌روی را در عرصه‌های مختلف حل کنیم.

کماکان سؤال‌های متعددی داریم که شهید مطهری می‌تواند به آنها پاسخ دهد. فروموش نکنیم که استاد شهید مطهری یک «فیلسوف مسأله‌مند» است و اساساً از مسأله آغاز می‌کند. ایشان را به هیچ عنوان نمی‌توان یک متفکر انتزاعی و یک فیلسوف ذهنی صرف دانست؛ اتفاقاً نگاه ایشان به قرآن نیز یک نگاه ذهنی و متافیزیkal نیست و قرآن را نیز مسأله‌مند می‌بیند و معتقدند که قرآن آمده است تا نیاز انسان‌ها را پاسخ دهد. از این رو، شهید استاد مرتضی مطهری را باید متفکری دانست که پیوسته بین دو ساحت «انضمامی» و «انتزاعی» در حرکت است؛ یک رفت و آمد بین «عین» و «ذهن». به تعبیری، از وجه انضمامی و عینی شروع و سپس به اندیشه‌ورزی و ارائه راه‌حل، مستقیم و غیرمستقیم، می‌پردازد. تمام آثار ایشان از چنین شاخصه‌هایی برخوردار است.

موضوعاتی که محل توجه شهید مطهری بود مسائل روز جامعه بود؛ که هنوز هم مسأله روز ما است. آیا هویت، حجاب، ازدواج، اسلام و مقتضیات روز و نقش زمان و مکان، آزادی، عدالت، اخلاق و معنویت، تجزو خرافه و... مسائل امروز ما نیست؟ با مرور بر آثار شهید مطهری درمی‌یابیم که دغدغه اصلی‌اش از یک درد اجتماعی برمی‌خیزد. شهید مطهری، فلسفه اسلامی را در طاقچه گذاشت و فلسفه را برای بهتر شدن حال مردم می‌خواست. بنابراین، استاد مطهری را باید به‌عنوان یک پدیده سهل و ممتنع دید؛ سهل، چون بارها نام او به زبان آورده می‌شود و ممتنع، چون با وجود این همه یادآوری، در عمل به‌کار گرفته نمی‌شود. بویی از آثار ایشان در دو ساحت نظر و عمل در دو عرصه رسمی و مدنی جامعه به مشام نمی‌رسد. ما با او بسیار بیگانه‌ایم. بزرگترین مسأله ما شاید «نوع مواجهه» با آثار و آرای استاد مطهری است. باید پرسید آثاری که حضرت امام(ره) تمام آنها را بدون استثنا تأیید می‌کنند، چقدر در جامعه تبلور دارد؟

واقعیت این است که مسأله «زمان» و «مکان» در افکار شهید مطهری از جایگاه بسیار والایی برخوردار است؛ اما اینکه چطور می‌توانیم مطهری را به روز کنیم، تنها از رهگذر یک «نگاه مسأله‌محور» به آثار ایشان قابل تحقق است؛ چه مسائلی که خود شهید مطهری طرح کرده و چه مسائلی که امروز در جامعه ما مطرح و مبتلا به ماست. این امر(به روز کردن مطهری) مستلزم این است که نخست بدانیم مسائل جامعه امروز ما چیست و این مسائل را در برابر آثار استاد شهید مطهری قرار دهیم و آنگاه دریابیم به این مسائل چیست؟ واقعیت این است که ما پاسخ را برای پاسخ نمی‌خواهیم نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که ما پاسخ را برای «عمل» می‌خواهیم. یکی از مسائلی که ما سخت از آن رنج می‌بریم شکاف بین «نظر» و «عمل» است. واقعیت این است که در مواجهه استاد شهید مطهری با اسلام نیز صرفاً بر جنبه‌های نظری اکتفا نشده و ایشان در پی ارائه یک نسخه عملی از اسلام بوده است. استاد شهید مطهری به صیغه نظری عمل است. فقط حرف نزنیم! از خود پرسیم حکمتی که در پرس آرای شهید مطهری وجود دارد، کجای جامعه ما جاری و ساری است؟ واقعیت این است که باید یاد دیگر به آثار ایشان رجعت شود؛ «رجعتی مسأله‌مند و معطوف به عمل». در پایان سوگوارانه باید بگویم جفایی که به آثار ایشان بعد از انقلاب شد قبل از آن، باوجودهای و هوی زیاد، نشد.